

تحلیل ماهیت حقوقی بهره و سود بانکی در نظام بانکی کنونی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۲/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۸/۲۲)

نرگس ساکی

دانشجوی دکتری

چکیده

نرخ سود بانکی از جمله متغیرهایی است که نقش بسیار مهم و کلیدی در سیاست‌های پولی و روابط اقتصادی جوامع ایفا می‌نماید. طی سال‌های گذشته لزوم انجام بررسی‌های فراگیر و نگاهی جامع و همه‌جانبه در زمینه نظری و عملی، در خصوص مبحث نرخ‌های سود بانکی همواره احساس شده است. در اوایل سال ۱۳۷۸ پس از طرح پیشنهادهایی در زمینه تعدیل نرخ‌های سود بانکی از سوی برخی کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصادی و طرح مباحث بعضاً غیرکارشناسی و آمیختگی تحلیل‌های تخصصی و غیرتخصصی در برخی جراید، لازم دیده شد که به منظور پیش‌گیری از اتخاذ هرگونه تصمیم قبل از انجام بررسی‌های همه‌جانبه مطالعاتی در این زمینه آغاز گردد. با توجه به جوانب امر ابتدا در زمینه نظری موضوع مطالعاتی انجام شد. پس از این مراحل با جهت‌گیری به سمت جوانب کاربردی امر و امعان نظر به الزامات قانون عملیات بانکی بدون ربا و شرایط اقتصاد ایران، مطالعات ادامه یافت و به این منظور سعی گردید تا جهت تعیین نرخ‌های سود از برخی شاخص‌ها و معیارهای اقتصادی استفاده گردد. در ضمن جهت آگاهی هرچه بیشتر از تبعات تصمیمات متخذه مطالعات وسیعی در خصوص تاثیر تغییر نرخ‌های سود بر واحدهای تولید و نیز ساختار مالی بانک‌ها صورت پذیرفت و نهایتاً در طول سال‌های برنامه سوم توسعه، با توجه به شرایط اقتصاد کشور و خطوط کلی سیاست‌های اقتصادی، شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی تغییراتی را در نرخ‌های سود سپرده‌های و تسهیلات اعمال نمودند.

واژگان کلیدی: بهره، سود بانکی، بانکداری بدون ربا، بانک مرکزی، سرمایه‌گذاری

بخش اول: تفاوت میان سود و بهره

در ابتدای این مقاله باید اشاره داشت چهار تفاوت میان نرخ بهره و سود وجود دارد.

تفاوت اول این است که نرخ بهره از متغیرهای هزینه سرمایه است؛ بنابراین با سرمایه‌گذاری رابطه عکس دارد؛ اما سود، تفاوت در آمد و هزینه است.

تفاوت دوم در این است که نرخ بهره در بازار پولی تعیین می‌شود؛ در حالی که سود در بازار حقیقی کالا و خدمات تعیین می‌شود.

تفاوت سوم در نوع رابطه حقوقی است. در بهره، وقتی صاحب و مالک منابع معین، آن را در اختیار متقاضی در ازای مازاد بر اصل آن قرار می‌دهد، رابطه حقوقی خود را با مال مورد نظر قطع کرده است و او در برابر چگونگی استفاده از آن بی تفاوت است؛ اما در سود هر چه میزان سود بیشتر باشد سود مشارکت کننده نیز افزایش می‌یابد.

چهارمین تفاوت به مساله ریسک اشاره دارد. نرخ بهره به دلیل ماهیت قرض آن فاقد ریسک است؛ اما در سود به دلیل ماهیت خود، پدیده‌ای ریسکی به شمار می‌رود.

ویکسل معتقد است که گرچه این دو با هم تفاوت دارند، نرخ بهره و نرخ سود در بلندمدت با هم دیگر برابر می‌شوند؛ ولی چون این دو نرخ در دو بازار کاملاً متفاوت تعیین شده و تحت تاثیر اوضاع و عوامل گوناگونی قرار دارند نمی‌توان به لحاظ نظری به برابری این دو نرخ در بلندمدت رسید.

کینز معتقد است که نرخ بهره در بازار مالی است در حالی که نرخ سود در بازار حقیقی تعیین می‌شود به دلیل وجود انگیزه سفته‌بازی، به طور طبیعی تجهیز منابع به برابری پس انداز و سرمایه‌گذاری نمی‌انجامد. سود تحت تاثیر عواملی مانند بازده انتظاری پروژه ساختار اقتصادی و... قرار می‌گیرد؛ در حالی که نرخ بهره تحت تاثیر عوامل شتابنده و زودگذر است؛ پس او معتقد است که به ندرت اتفاق می‌افتد این دو نرخ با هم برابر باشند.

بدین سان نتیجه گرفته می‌شود که سود و بهره دارای ماهیتی به طور کامل دوگانه هستند؛ پس استدلال طراحان لایحه مبنی بر محاسبه سود از اقلام هزینه‌ای سرمایه‌گذاری، در واقع یکسان انگاشتن سود و بهره است. و این مطلب اعترافی است که آنچه تاکنون عمل شده، همان بهره‌بوده است.

مطالب بیان شده پیشین سوء تفاهمی را بیان می‌کند؛ زیرا عقود بانکی به دو دسته عقود مشارکتی مانند مضاربه، مشارکت و... و عقود غیر مشارکتی مانند اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی و... تقسیم می‌شوند. بانک از هر دسته عقود سود می‌برد؛ اما سود اول، سود مشارکتی است. تفاوت‌های چهارگانه یاد شده در مورد این دسته از سود ناشی از عقود مشارکتی، صحیح است؛ بنابراین، اگر نظام بانکداری کشور تمام عقود خود را به صورت عقود مشارکتی انجام می‌داد ایراد بیان شده صحیح بود؛ اما امروزه بیش از ۸۰ درصد از عقود بانکی عقود غیرمشارکتی است و این دسته از عقود، دارای سود ثابت از پیش تعیین شده هستند. با توضیحات پیش گفته مشخص می‌شود که اساس تفاوت سود و بهره در این است که بهره در بازار پولی تعیین می‌شود و به بازار حقیقی کالاها و خدمات ارتباطی ندارد؛ ولی سود در بازارهای حقیقی تعیین می‌شود. و سه تفاوت دیگر فقط در مورد سود ناشی از عقود مشارکتی با بهره صحیح است و بر این اساس سود نیز می‌تواند از اقلام هزینه‌ای شمرده شود. از آن جا که بیش از ۸۰ درصد عقود بانکی، عقود غیرمشارکتی هستند، به لحاظ نظری، استدلال اول ارائه کنندگان لایحه می‌تواند صحیح باشد و با افزایش نرخ سود بانکی هزینه سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد.

بخش دوم: کارکرد نرخ‌های بهره در اقتصاد

امروزه بانک‌های مرکزی از طریق ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم نظیر ذخایر قانونی، تسهیلات اضافه برداشت، سقف اعتباری و همچنین ابزارهای فعال در بازار از قبیل عملیات بازار باز، تنزیل مجدد، سیاست‌های عقیم‌سازی و سپرده‌های دولت در اجرای سیاست‌های پولی



کشورها ایفای نقش می نمایند. در تنظیم و اجرای سیاست‌های کلان، از جمله سیاست پولی، باید ترکیب متوازن و با ثبات نرخ‌های بهره، ارز و تورم به صورت هماهنگ و در آرایشی ماندگار و با دوام در میان مدت تامین شود. بی‌توجهی به توازن و ترکیب متناسب این نرخ‌ها، اقتصاد ملی را در فرایند عدم تعادل قرار می‌دهد که تثبیت بخش مالی را به زیان بخش واقعی و به سود واسطه‌گری‌های دلال منشانه زودنگر برهم می‌زند. تورم به معنای کلیدی‌ترین شاخص تعیین کننده سطوح حداقل نرخ بهره و تغییر نرخ ارز نقش اساسی در توسعه و رشد اقتصادی بعهدہ خواهد داشت و برای تامین تعادل و توازن ذکر شده می‌باید سطح آن در حداقل ممکن حفظ گردد.

بخش سوم: نرخ بهره در باند کداری متعارف

در اقتصادهای پیشرفته امروز، نرخ بهره نقش عمده‌ای را در هدایت، اجرا و تامین اهداف سیاست‌های پولی ایفا می‌نماید. در اکثر کشورهای صنعتی و کشورهای با نرخ تورم پایین بانک‌های مرکزی از طریق تغییر نرخ بهره کوتاه مدت بازار، به عنوان هدف عملیاتی و سپس با استفاده از عملیات بازار باز و سایر ابزارهای سیاست پولی به منظور نگهداری نرخ‌ها در محدوده هدف عملیاتی، سیاست‌های پولی را تنظیم می‌نماید. نرخ بهره به عنوان یکی از متغیرهای مهم در بازار پول در عرضه پول نیز تاثیر گذار می‌باشد. مطالعات انجام شده (از قبیل مطالعات کوپر، راشه، مودیگیلیانی، هندرشات، دیولیو) حاکی از آن است که افزایش در نرخ‌های سود از طریق کاهش ذخایر آزاد و افزایش تقاضای ذخایر غیر استقراری از ذخایر آزاد باعث افزایش عرضه پول می‌گردد. لذا افزایش نرخ‌های سود می‌تواند از مجرای ذخایر آزاد، باعث افزایش عرضه پول گردد. یکی از تاثیرات مهم تغییر نرخ‌های سود بانکی در پرتفولیوی افراد جامعه است. در کشورهایی که از ابزار غیرمستقیم پولی استفاده گسترده دارند و نرخ‌های آنها از انعطاف پذیری کافی برخوردار است، اجرای سیاست‌های پولی بر روی حجم ذخایر بانک‌ها و نرخ بهره در بازار غیر متشکل پول تاثیر قابل توجهی دارد. این مسئله به نوبه خود بر روی هزینه دسترسی افراد و موسسات به اعتبارات بانک‌ها و همچنین نرخ‌های

سپرده ها و عرضه پول اثر می گذارد و از این طریق نهایتاً متغیرهای واقعی اقتصاد از قبیل مصرف خصوصی، سرمایه گذاری، جریان سرمایه و تولیدات و قیمت ها، تحت تاثیر قرار می گیرند و از طرف دیگر تغییرات متغیرهای مربوط به تولید و قیمت ها به نوبه خود بر روی نرخ های استقراض و سپرده گذاری اثر بخشی دارند. لذا در این سیستم تعادل به طور خودکار برقرار می گردد. نرخ های سود به صورت دو جانبه در اقتصاد عمل می نماید از یک طرف افزایش زیاد این نرخ ها بدون توجه به وضعیت نرخ های بازدهی در سایر حوزه ها می تواند به بروز ضعف و رکود در سایر بازارها و افزایش بی دلیل هزینه منابع مالی بانک ها منجر گردد. از طرف دیگر تعیین نرخ های سود در سطوحی پایین می تواند به تضعیف منابع مالی بانکها و هجوم سرمایه از حوزه های بانکی و مولد به سمت حوزه های سفته بازی منجر شود. لیکن دو نکته همواره باید مد نظر قرار داشته باشد. اول آنکه در هر حال نرخ های سود واقعی در اقتصاد باید مثبت باشد. دومین مطلب آنکه نرخ سود بای متناسب با تغییر شرایط اقتصادی تغییر یابد، زیرا تثبیت نرخ های سود بدون توجه به شرایط اقتصادی می تواند نتایج معکوسی را دربرداشته باشد.

بند اول: نرخ سود در اقتصاد ایران

روش و فرایند تعیین نرخ های سود در نظام بانکداری دولتی کشور که مبتنی بر قانون عملیات بانکی بدون ربا است. با روش های تعیین نرخ در بانکداری متعارف متفاوت بوده و با ملاحظه بازدهی اقتصادی در بخش واقعی و به جهت دولتی بودن سیستم با نگاه حمایتی از بخش های اقتصادی تعیین می شود. در تعیین نرخ های سود سپرده های این الزام وجود دارد که نرخ ها به گونه ای تنظیم شوند که حداقل جبران کاهش ارزش پول را بنمایند و در عین حال در یک جایگاه منطقی نسبت به شاخص های دیگر بازدهی اقتصاد کشور قرار داشته باشند. در صورتی که نرخ های سود علی الحساب سپرده ها در سطحی پایین تر از شاخص هایی همچون نرخ تورم نرخ سود سهام، حداقل نرخ سود در بازار غیر متشکل پولی، نرخ سود پرداختی به اوراق مشارکت و... قرار گیرند، سیستم بانکی کشور در جذب سپرده ها و تجهیز منابع بانکی با



محدودیت متعددی روبرو شده و تبعات منفی آن در بعد اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی و اثر بر ساختار مالی بانک‌ها، بسیار شدید خواهد بود؛ چرا که منابع سپرده‌گذاران اصلی ترین منبع در اعطای تسهیلات بانک‌ها به شمار می‌رود. یکی از مسایل مهم در برآورد سود حاصل از تسهیلات بانک‌ها و تبدیل و تخصیص آن به سود سپرده‌ها، ملاحظات بسیار اساسی در تعیین حاشیه نرخ سود بانک‌ها می‌باشد. این حاشیه در سطحی تعیین می‌شود که نه تنها هزینه‌های عملیاتی و ریسک بانک‌ها را پوشش دهد، بلکه ملاحظات سیاستی قوی در زمینه بهبود ساختار مالی بانک‌ها نیز در تعیین آن مراعات شود. به عبارت دیگر در این عبارت دیگر در این خصوص از یک طرف ملاحظات قانونی و حقوقی ناشی از الزامات قانونی عملیات بانکی بدون ربا به همراه عملکرد بخش‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و از طرف دیگر، کارآیی عملیاتی بانک‌ها و برنامه‌های تنظیمی - مقرراتی در جهت حفظ نسبتها و استانداردهای معمول در جهت تقویت بنیه مالی بانک‌ها اعمال می‌شود.

بند دوم: مکانیزم تعیین نرخ سود

تعیین نرخ‌های سود در نظام بانکداری کشور با توجه به نوع عقد انجام می‌شود. عقود مصرح در قانون عملیات بانکی بدون ربا از جهت ماهیت به دو دسته تقسیم می‌شوند، عقود غیرمشارکتی و عقود مشارکتی. در عقود غیرمشارکتی یا عقود با بازدهی ثابت، بانک می‌تواند حداقل و یا حداکثر نرخ سود را تعیین نماید. در این گونه عقود به جهت انتقال مالکیت، رابطه وام دهنده با سرمایه قطع می‌گردد، لذا تحولات آتی و تغییرات احتمالی وضعیت مالی فعالیت مذکور از جهت سود و زیان ارتباطی به سود و مطالبات بانک ندارد. در حالی که ماهیت مشارکت بر عدم تملیک به ضمان بنا شده است. بدین معنا که عاملین و مشارکین از سرمایه خود رفع ید نموده بلکه مالکیت آنان استمرار می‌یابد. لذا در شرایط متعارف، هیچیک از طرفین در مقام بستانکار و یا بدهکار نیست، به عبارت دیگر بانک به معنای تامین کننده کل و با بخشی از سرمایه نمی‌تواند خود را از نتیجه فعالیت موضوع مشارکت مجزا نماید. بررسی عملکرد بانک‌ها در زمینه اعطای تسهیلات در قالب عقود اسلامی نشان می‌دهد که حدود ۷۰

درصد از تسهیلات به صورت غیرمشارکتی اعطا می‌گردد. در ۳۰ درصد باقیمانده نیز گرچه نمی‌توان نرخ از قبل تعیین شده‌ای را تثبیت نمود، لیکن باید نرخ و یا دامنه‌ای از نرخ‌ها لحاظ گردد تا از منظر بانک مبنایی برای قبول یا رد پروژه‌ها در اختیار باشد و از نقطه نظر متقاضی تسهیلات علامتی برای تصمیم‌گیری وجود داشته باشد. لیکن همان طوری که گفته شد در هر دو مورد نرخ‌ها باید به گونه‌ای باشد که جبران کاهش ارزش پول را بنماید. در تعیین حداقل نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات اعطایی نیز توجه و تاکید بر متوسط بازدهی و عملکرد بخش واقعی بوده و معمولاً به شاخص تورم و تحولات شاخص‌های اقتصاد کلان و همچنین ملاحظات سیاستی در حمایت از برخی از بخش‌های اقتصادی تاکید ویژه می‌گردد. بدیهی است لازمه هر گونه کاهش در نرخ سود تسهیلات کاهش بیشتر در پرداخت سود به سپرده‌گذارانی است که صاحب اصلی منابع بانکی هستند.

بخش چهارم: بررسی وضعیت فعلی نرخ‌های سود بانکی

در کشور ما با توجه به نرخ تورم، نرخ‌های سود بانکی در سطح بسیار نازلی بوده و در بسیاری از سال‌ها سپرده‌گذاری در بانک‌ها با سود واقعی منفی مواجه بوده است. تنها در چند سال اخیر و با کاهش نرخ تورم، برخی از انواع سپرده‌های بانکی از سود مثبت برخوردار گردیده‌اند. گفتنی است که طی سال ۱۳۸۲ نرخ تورم در سطح ۱۵/۶ درصد تحقق یافته است، این درحالی است که میانگین موزون سود انواع سپرده‌ها در حدود ۱۲ درصد و میانگین موزون سود انواع تسهیلات بانکی در حدود ۱۶/۶ درصد بوده است. لذا با در نظر گرفتن نرخ تورم، نرخ سود واقعی سپرده‌ها منفی و نرخ سود واقعی تسهیلات به حد صفر تنزل می‌یابد. بدیهی است چنین نرخ‌هایی از حد تعادلی خود بسیار پایین‌تر می‌باشد. در حال حاضر نرخ سود تعیین شده برای تسهیلات (قیمت)، با توجه به میزان تقاضای بازار و محدودیت عرضه منابع سپرده‌ای، پایین‌تر از نرخ سود تعادلی می‌باشد به گونه‌ای که برخورداران از تسهیلات بانکی را با نوعی از رانت اقتصادی مواجه ساخته و زمینه‌های فساد مالی را تقویت نموده است. دلیل این امر وجود صفوف طولانی و مازاد تقاضا برای دریافت تسهیلات بانکی در نرخ‌های سود کنونی می‌باشد. ارقام واقعی نرخ‌های سود سپرده‌های بانکی در ۲۲ سال اخیر نشان می‌دهد



که سپرده های کوتاه مدت بانک ها که سهمی بالاتر از ۵۰ درصد از کل سپرده های سرمایه گذاری مدت دار را به خود اختصاص می دهند، همواره از نرخ سود منفی برخوردار بوده اند. سپرده های سرمایه گذاری یکساله نیز به استثنای چند سال اخیر در بقیه سال های مورد بررسی از نرخ سود منفی برخوردار بوده اند. سپرده های سرمایه گذاری مدت دار ۵ ساله که عمده ترین نوع سپرده های بلندمدت می باشند، طی سه سال اخیر به علت کنترل سیاست های تورمی توانسته نرخ سود واقعی مثبت داشته باشد. بدیهی است به لحاظ آثار منفی و زیانبار این امر، لازم است سیاست گذاران اقتصادی در جهت خروج از این وضعیت سیاست هایی را اتخاذ نمایند. مطالعات انجام شده نیز حاکی از آن است که خروج از وضعیت سرکوب مالی در ایران اثرات مثبت و مفیدی را بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی خواهد داشت. براساس مطالعات و برآوردهایی که بر روی نرخ های سود تسهیلات در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام شده، نتایج قابل تاملی حاصل شده است. براین اساس نرخ های سود تسهیلاتی به معنای یک متغیر تاثیرگذار بر رشد و توسعه بخش های مختلف اقتصادی از جمله تولید و سرمایه گذاری بخش خصوصی، صنعت و ... مطرح نبوده و تأثیر چندانی بر تولید بخش های مذکور ندارد. علت این امر آن است که سرمایه گذاری بخش خصوصی علیرغم انتظار برخی، به جای نرخ سود تسهیلات، بیشتر متأثر از متغیر ریسک اقتصادی است و تغییرات نرخ ارز در بازار آزاد (در شرایط قبل از یکسان سازی نرخ ارز) تعیین کننده اصلی هزینه سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی بوده است. به عبارت دیگر نرخ سود به مفهوم یک فاکتور در تصمیم گیری بخش خصوصی برای سرمایه گذاری همواره تحت الشعاع ارزیابی سرمایه گذاری از فاکتور ریسک، نااطمینانی ها و نوسانات نرخ ارز قرار دارد. لذا به منظور کاهش هزینه سرمایه گذاری در جهت تشویق آن، لازم است ریسک اقتصادی پایین آورده شده و نرخ ارز حداقل از ثبات نسبی برخوردار گردد که خوشبختانه با اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۸۱ زمینه های ایجاد نسبی فراهم شده است. بدیهی است کاهش نرخ سود تسهیلات راه حل موثری جهت تشویق و تحریک سرمایه گذاری بخش خصوصی نخواهد بود. گروهی از نمایندگان مجلس هفتم در زمستان ۱۳۸۳، طرحی تحت عنوان «منطقی کردن نرخ سود

تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازده در بخش های گوناگون اقتصادی با تاکید بر نظام بانکداری اسلامی» به مجلس ارائه داده، طرح یک فوریتی آن به تصویب مجلس رسید (دنیای اقتصاد، ۸۳/۱۰/۲۲). براساس مفاد طرح یاد شده، نظام بانکی کشور موظف است طی دوره زمانی ۱۸ ماهه پس از تاریخ تصویب قانون پیشین به کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی اقدام کند که در خاتمه دوره ۴/۵ واحد درصد از نرخ متوسط تسهیلات کاسته شود. این طرح از آن زمان تاکنون، مباحثه ها و مجادله های فراوانی را ایجاد کرده است. فارغ از مجادله های یاد شده، طرح ادله موافقان کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی و سپس بررسی آن ها می تواند به شفاف شدن موضوع و پیامدهای احتمالی آن یاری کند. به اختصار می توان ادله طراحان را بدین شرح بیان کرد:

نرخ سود از عوامل تعیین کننده هزینه اجاره سرمایه است که با سرمایه گذاری رابطه معکوس دارد؛ بدین سبب، کاهش نرخ سود تسهیلات باعث افزایش سرمایه گاری، شده و در نتیجه آن رشد اقتصادی ایجاد می شود. گاه نیز به مسائلی مانند کاهش نرخ بیکاری در نتیجه افزایش سرمایه گذاری یا افزایش قدرت رقابت تولید کننده داخلی با رقیبان خارجی در نتیجه کاهش هزینه تولید حاصل از کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی اشاره می شود. گاه نیز گفته می شود کاهش نرخ سود تسهیلات سبب کاهش هزینه تولید، و در نتیجه تورم ناشی از فشار هزینه کاسته می شود و شدت تورم رکودی کشور کاهش می یابد؛ بنابراین، در این نگاه، کاهش نرخ سود تسهیلات باعث افزایش سرمایه گذاری، و این نیز سبب کاهش نرخ بیکاری، افزایش توان رقابتی تولید کننده داخلی، کاهش تورم رکودی، و بهبود رشد اقتصادی می شود. دومین دلیل موافقان، فاصله بسیار نرخ سود تسهیلات بانکی از نرخ سود سپرده های بانکی است. آنان معتقدند که بانک های تجاری از این راه سود سرشاری به دست می آورند.

بند اول: حاشیه سود بانکی

از ادله طراحان لایحه منطقی کردن نرخ سود فاصله بسیار میان نرخ سود تسهیلات و نرخ سپرده ها در نظام بانکی کشور است. تا آن جا که برخی از نمایندگان مدعی شده اند نرخ حاشیه سود بانکی کشور دو برابر متوسط نرخ جهانی است. بانک مرکزی و برخی از کارشناسان بانکی



برخلاف ادعای نمایندگان مجلس معتقدند که نرخ حاشیه سود بانکی در حدود متوسط نرخ جهانی است؛ بدین سبب، ادعای نمایندگان را غیرعلمی می دانند. بر این اساس، بانک مرکزی در مکتوبی در پاسخ به سخنان نمایندگان، چگونگی محاسبه نرخ حاشیه سود بانکی را بررسی کرده و اظهار داشته اند که این نرخ از تفاضل نرخ سود مورد انتظار بانک ها از تسهیلات و هزینه عملیاتی بانکها به دست می آید. نرخ سود انتظاری بانک ها براساس متوسط بازده و عملکرد بخش واقعی بوده و به طور معمول به شاخص تورم و تحولات شاخص های اقتصاد کلان و ملاحظات سیاسی در حمایت از برخی از بخش های اقتصادی ویژه است. در هزینه عملیاتی نیز ریسک ها و ساختار مالی بانک ها مورد ملاحظه قرار می گیرند (بانک مرکزی، ۱۳۸۴: ص ۱۶). بنابراین قانون بانکداری بدون ربا، بانک های تجاری می توانند با لحاظ ذخایر قانونی و احتیاطی بخشی را به اعطای قرض الحسنه و بخشی را از طریق عقود بانکی به کار گرفته، کسب سود کنند بنابراین می توان هزینه های تشویقی بانک ها را نرخ سود این دسته از سپرده ها به شمار آورد. در مورد سپرده های جاری نیز می توان کارمزد احتسابی را نرخ سود سپرده ها در نظر گرفت. به طور معمول بانک ها با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی و با رعایت سیاست های کلی نظام، باقیمانده وجوه را از طریق عقود بانکی سرمایه گذاری می کنند؛ بنابراین، مناسب است در میانگین موزون سود سپرده ها، هر سه نوع سپرده، محاسبه شود و وجود مصارف خاص نیز دلیل بر عدم محاسبه نیست؛ زیرا مصارف خاص نیز در سود تسهیلات بانکی باید محاسبه شود.

بند دوم: آثار اقتصادی کاهش نرخ سود تسهیلات و سپرده های بانکی

شاید چنین تصور گردد که نرخ های سود کنترل شده و پایین تر از نرخ های واقعی بازار و تورم، بتواند تقاضا برای سرمایه گذاری را افزایش دهد. لیکن باید توجه داشت که حجم سرمایه گذاری واقعی به واسطه روند نزولی در جذب پس اندازها جهت تامین این سرمایه گذاری ها کاهش خواهد یافت. علاوه بر این تقاضای اضافی ناشی از پایین بودن نرخ های سود ممکن است در شرایطی منجر به سهمیه بندی منابع مالی موجود گردد و تسهیلات اعطایی توسط بانک ها و واسطه های مالی بر مبنای نرخ بازدهی سرمایه گذاری ها صورت نگیرد. در

چنین شرایطی، سایر عوامل غیراقتصادی در تصمیم‌گیری واسطه‌های مالی نقش اساسی را خواهد داشت. در نتیجه نرخ‌های کنترل شده نه تنها حجم سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد بلکه می‌تواند منجر به کاهش متوسط نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها در مقایسه با حداکثر نرخ‌های بازدهی قابل حصول گردیده و روند تخصیص بهینه منابع مالی را مختل نماید. کاهش نرخ‌های سود سپرده‌های بانک‌ها بدون توجه به شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله تورم نیز دارای آثار و عوارض منفی بر اقتصاد می‌باشد. در صورتی که نرخ‌های سود سپرده‌ها کاهش یابد، صاحبان سپرده‌های بلندمدت که با کاهش سود دریافتی مواجه شده‌اند، به سمت سپرده‌های دیداری روی آورده و از این سپرده‌ها برای فعالیت در بازارهای موازی (همچون بازار سهام، مستغلات، طلا و ...) استفاده می‌نمایند و یا منابع خود را برای اخذ سود بیشتر در بازار غیرمتشکل پولی و سایر فرصت‌های سرمایه‌گذاری به کار می‌گیرند. نتیجه چنین روندی، رونق حباب گونه بازار سهام، مستغلات، طلا و ... و نهایتاً ایجاد فشارهای تورمی می‌باشد. همچنین این تغییر در ترکیب سپرده‌ها در جهت نقدتر شدن می‌تواند موجب افزایش سرعت گردش نقدینگی را فراهم آورد که به نوبه خود تورم را تشدید می‌نماید. از دیگر مشکلات ناشی از غیرواقعی بودن نرخ‌های سود بانکی، فرار سرمایه از کشور است. انتظارات مربوط به تضعیف ارزش پول ملی از یک طرف و نرخ‌های جذاب خارجی از طرف دیگر، تقاضا برای ارز را افزایش داده و می‌تواند به کاهش ذخایر ارزی و افزایش قیمت آن منجر شود. در صورت پایین بودن نرخ‌های سود بانکی در کشور، نرخ‌های سود بانک‌های غیردولتی که فارغ از دستوره‌های اداری تعیین می‌شوند، بیشترین موفقیت را در جذب سپرده‌های بانکی نصیب بانک‌های غیردولتی می‌نمایند. چرا که با توجه به تصمیمات عقلایی سپرده‌گذاران، سپرده‌های مردمی از سوی بانک‌های دولتی به سمت بانک‌های غیردولتی سرازیر شده و با توجه به عدم وجود سهمیه بندی بخشی برای این گونه بانک‌ها، حمایت از بخش‌هایی نظیر کشاورزی و صادرات با مشکلات مضاعفی مواجه خواهد شد. با عنایت به موارد یاد شده، ملاحظه می‌گردد که در صورت کاهش نرخ‌های سود بانکی بدون کاهش نرخ تورم (به معنای مهمترین پیش‌نیاز کاهش نرخ‌های سود بانکی)، تبعات منفی بسیاری متوجه اقتصاد شده



و عملاً کنترلی بر پدیده عدم واسطه گری مالی بانک ها وجود نخواهد داشت. بنابراین شرط اصلی و اساسی کاهش نرخ های سود بانکی، کاهش نرخ تورم در جامعه و به تبع آن تعدیل انتظارات تورمی مردم و در نهایت مثبت شدن نرخ های سود سپرده های بانکی می باشد.

بخش پنجم: راهکار رسیدن به نرخ های سود بانکی تعادلی

با روشن شدن تأثیر تغییرات نرخ سود بانکی بر متغیرهای اساسی چون پس انداز، سپرده بانکی، سرمایه گذاری و تورم و این که این تاثیرها همیشه همسو و همجهت نیست و در موارد فراوانی متقابل است، این پرسش مطرح می شود: نرخ تعادلی سود بانکی که بتواند سطح پس انداز، سپرده ها، سرمایه گذاری و تورم را در بهترین وضعیت ممکن قرار دهد، کدام است و به چه روشی می توان به آن رسید و به چه روشی می توان از آن محافظت کرد؟ در پاسخ به این پرسش ها، دو راه حل به صورت گزینه اول که فرض بهترین وضعیت است و گزینه دوم که فرض عدم وجود برخی شرایط است، پیشنهاد می شود.

گزینه نخست: آزادسازی نرخ های سود بانکی برای رسیدن به نرخ های تعادلی: غالب اقتصاددانان معتقدند که اگر وضعیت رقابت در عرصه فعالیت های اقتصادی فراهم باشد و زمینه برای انواع انحصار، احتکار و تانی نباشد، بهترین گزینه برای رسیدن به نرخ های تعادلی، آزاد کردن نرخ ها و بنگاههای اقتصادی است تا در اثر فعالیت عوامل عرضه و تقاضا، قیمت ها در بهترین سطح به تعادل برسند. از دیدگاه آموزه های اسلام نیز بهترین گزینه برای تعیین قیمت در وضعیت رقابت سالم و در چارچوب شریعت، آزادسازی قیمت ها و تبعیت از قیمت بازار و عرضه و تقاضا است؛ به طوری که در برخی روایات وقتی از پیامبر اکرم (ص) درخواست می شود کالاها را قیمت گذاری کنند، حضرت امتناع، و آن را مخالف خواست خدا معرفی می کند. (ری شهری، ۱۳۸۰: ص ۱۸۲). در صنعت بانکداری نیز اگر وضعیت رقابت فراهم باشد، بهترین گزینه آزاد گذاشتن بانک ها در تعیین سود سپرده ها و سود تسهیلات است؛ اما در موقعیت کنونی که اولاً بیش از ۹۵ درصد فعالیت های بانکی در اختیار بانک های دولتی است و دولت براساس مصالح خاصی تصمیم می گیرد و در مواردی که مصلحت می بیند انواع

تسهیلات تکلیفی با نرخ های معین بر عهده بانک ها می گذارد، زمینه برای رقابت وجود ندارد. ثانياً پیشینه صنعت بانکداری ایران نشان می دهد که چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، حتی در بانک های خصوصی، دامنه سود و بهره بانکی به وسیله بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار تعیین شده است؛ در نتیجه، آزاد سازی دفعی بانک ها، سبب بحران های اقتصادی و اجتماعی می شود. براین اساس تا فراهم شدن وضعیت رقابت نمی توان به گزینه نخست عمل کرد.

گزینه دوم: هدایت نرخ ها به سمت سودهای تعادلی: حال که تا تحقق وضعیت رقابت نمی توان از طریق آزادسازی نرخ ها به نرخ های تعادلی رسید و به ناچار باید نرخ ها به صورت دستوری تعیین شود، باید با راهکارهای به تدریج به سمت نرخ های تعادلی حرکت، و در حد امکان، نزدیک ترین نرخ به نرخ تعادلی را تعیین کرد؛ به طوری که وقتی موقعیت برای آزادسازی نرخ ها فراهم شود، نرخ ها با کمترین نوسان در نرخ تعادلی واقعی مستقر شوند. برای این منظور، پیشنهاد می شود در گام نخست نرخ های بانکی ایران اعم از نرخ های سپرده ها، نرخ های تسهیلات و حاشیه سود بانکی به نرخ های بین المللی به ویژه نرخ های کشورهای بانکداری رقابتی داشته و احتمال نقل و انتقال سرمایه از ایران به آن کشورها وجود دارد، نزدیک شود. برای رسیدن به این هدف، نیازمند مقایسه نرخ های سود بانکی ایران با سایر کشورها هستیم تا داوری درستی برای پیشنهاد کاهش یا افزایش داشته باشیم و چون امکان مقایسه با همه کشورها نیست، آمار و اطلاعات پنج کشور آمریکا، فرانسه، کره، چین و بحرین هر کدام به دلیل خاصی، در جایگاه پنج کشور شاخص انتخاب و آمارهای ایران با آن ها مقایسه شده است.

نتیجه گیری

با توجه به مقایسه نرخ سود سپرده های بلندمدت نظام بانکی ایران در پنج سال گذشته با متوسط نرخ بهره بانک های شاخص، به نظر می رسد وضعیت فعلی نرخ های سپرده های



بلندمدت وضعیت مناسبی است و هر نوع کاهش در آن‌ها (با فرض ثابت ماندن نرخ تورم حدود ۱۵ درصد) سبب نگرانی سپرده‌گذاران و توقف رشد یا کاهش سپرده‌های مدت‌دار خواهد شد. اگر سیاست تثبیت قیمت‌ها موفق شود و نرخ تورم برای سال‌های ۱۳۸۴ و بعد آن کاهش یابد می‌توان به اندازه کاهش نرخ تورم، از نرخ سود اسمی سپرده‌های بلندمدت کاست. بر این اساس، طرح پیشنهادی مجلس که کاهش نرخ سود سپرده‌ها را تا ۱۸ ماه از اجرای طرح، مسکوت گذاشته، فی‌نفسه منطقی و حساب شده است و پیشنهاد کاهش ۴ درصدی سود سپرده‌ها در ۱۸ ماه دوم اجرای طرح در صورتی موجه خواهد بود که تا آن زمان، تورم، کاهش یافته یا نشانه‌های کاهش آن مشهود باشد. علیرغم کاستی‌های موجود در فرایند تعیین نرخ، تاکید می‌گردد که در شرایط کنونی، تغییر نرخ‌های سود بانکی می‌باید مستند به مطالعات کارشناسی و واقعیات اقتصاد کشور انجام گیرد و هرگونه کاهش در نرخ‌های سود بدون توجه به شاخص‌های اقتصادی (همانند تورم و ...) باعث ایجاد صف و اختلال بیشتر در سیستم بانکی می‌شود. از بعد سپرده‌ها نیز کاهش نرخ سود باعث خروج منابع سپرده‌ای از شبکه بانکی، تغییر ترکیب سپرده‌های بانکی، رونق بازارهای موازی، رشد حباب‌گونه این بازارها، ایجاد فشارهای تورمی و گسترش بازار غیرمتشکل پولی گردیده و شرایط را برای فعالیت اشکال مختلف و مجدد شرکت‌های مضاربه‌ای مهیا می‌سازد. از سوی دیگر سپرده‌های جاری و پس‌انداز نظام بانکی ایران که حدود ۵۰ درصد سپرده‌ها را تشکیل می‌دهند، تابع نرخ‌های سود بانکی نیستند، اما سپرده‌های مدت‌دار تابع مستقیم سود سپرده‌ها هستند و نرخ‌های سود واقعی سپرده‌ها در سال‌های اخیر در حدی است که هر نوع کاهشی در آنها بدون کاهش نرخ تورم، باعث خروج بخشی از آن‌ها از نظام بانکی می‌شود؛ در نتیجه طرح کاهش سود بانکی باید با فاصله زمانی معناداری، متقاضی کاهش سود سپرده‌ها باشد. گرچه نرخ واقعی تسهیلات بانکی ایران برای بخش‌های تولیدی (کشاورزی، صنعت، معدن و مسکن) به طور متوسط کمتر از نرخ‌های جهانی و فی‌نفسه قابل قبول است. بالا بودن نرخ سود واقعی تسهیلات بخش بازرگانی و خدمات که بخش واسطه بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است، باعث اختلال در بخش‌های تولیدی نیز می‌شود. براین اساس، پیشنهاد می‌شود

نرخ های تسهیلات بانکی، بازنگری کارشناسی، و در عین کاستن از نرخ های بخش بازرگانی، فاصله بخش ها نیز کم شود. مقایسه نرخ های حاشیه سود بانکی ایران با نرخ های جهانی نشان می دهد که حاشیه سود بانکی در ایران (طبق محاسبه خود بانک مرکزی) بیش از ۵۰ درصد از نرخ های جهانی بیشتر است. لازم است با یافتن راهکارهای درست از هزینه های گوناگون بانکی کاسته، حاشیه سود را به نرخ های جهان برساند. همه تصمیم ها و تغییرها باید با هدف رسیدن به نرخ های تعادلی و وضعیتی که بتوان نرخ ها را آزاد کرد، صورت گیرد؛ زیرا فقط در آن صورت است که زمینه های فساد و رانت خواری پرچیده می شود و به نرخ های تعادلی پایدارتر می رسیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و ماخذ

۱. اسکندریان، مهناز و سامان خواجهزاده. (۱۳۸۵). باشگاه مشتریان، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال هفدهم، شماره ۱۶۹
۲. اسلامی، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر فعالیتهای بازاریابی بر وفاداری مشتریان بانک کشاورزی شهرستان بيله‌سوار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
۳. الوندی، محسن و محمد کریمی. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای مدیریت ارتباط با مشتریان سه بانک ایرانی با رویکرد مدل سوئیفت، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، سال دوم، شماره ۴
۴. الهی، شعبان و بهمن حیدری. (۱۳۸۷). مدیریت ارتباط با مشتری، انتشارات چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، تهران
۵. امیری، فرامرز. (۱۳۸۸). کیفیت خدمات مدیریت ارتباط با مشتری و تدوین برنامه بهینه مدیریت ارتباط با مشتری در نظام بانکداری، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت، شماره ۳۸، تهران
۶. صیف، محمد حسن و مقداد کرمی. (۱۳۸۳). مدیریت دانایی؛ رویکردی استراتژیک، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره ۱۰۰
۷. عاشوری، مریم، شریف خانی، مونا و محمدجعفر تاریخ. (۱۳۹۳). توسعه مدل فرایندی مدیریت دانش مشتری با استفاده از سیستم‌های مدیریت ارتباط با مشتری، فصلنامه رشد فناوری، سال دهم، شماره ۴۵
۱۰. کرامتی، حمید، رفیعی، کمال و علی دادمهر. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل کلیدی موفقیت استراتژی مدیریت ارتباط با مشتری در صنعت نساجی، نشریه کوشهای مدیریت بازرگانی، سال دوم، شماره سوم